

تحولات ۵۰ ساله رشد باسوادی در ایران: زنان، روستائیان و سالمندان در حاشیه

محمود بحرانی

استادیار پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی روند رشد باسوادی و آگاهی از چگونگی میزان بی‌سوادی در کل کشور براساس آمارهای موجود صورت گرفته است. در این تحقیق از شیوه زمینه‌یابی استفاده شده و اطلاعات مورد نیاز به روش اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند. داده‌های آماری مورد نظر پیرامون جمعیت باسواد ۶ ساله و بالاتر طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ از سالنامه آماری سال ۱۳۹۱ کشور و نیز سایت درگاه ملی آمار سازمان برنامه و بودجه جمع‌آوری و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مجموع طی ۵۰ سال گذشته نرخ بی‌سوادی در ایران همواره رو به کاهش بوده و این روند در دهه‌های قبلی از شیب تندتری برخوردار بوده است. نرخ بی‌سوادی در جمعیت زنان چه در نقاط شهری و چه روستائی همواره پایین‌تر از مردان بوده است. با وجود افزایش روند باسوادی، روند رشد جمعیت باسواد کشور به ویژه در سال‌های اخیر برای نقاط شهری و روستائی قدری تفاوت دارد و به ضرر گروه دوم بوده که نگران‌کننده است. طبق این آمار جمعیت زنان و مردان باسواد روستائی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ اندکی کاهش یافته است. هر چند علل این موضوع بر ما پوشیده است اما، جای این نگرانی هست که به توسعه آموزش و مبارزه با بی‌سوادی در روستاها به اندازه شهرها توجه نشده باشد. علاوه بر این، آسیب‌پذیری جمعیت زنان روستائی از این موضوع بیشتر از مردان بوده است. همچنین نرخ بی‌سوادی در استان‌های محروم و نیز در میان سالمندان بیشتر است. بنابراین، می‌توان گفت در مبارزه با بی‌سوادی چهار پدیده چالش برانگیز وجود دارد که شامل، روستائی بودن، استان‌های محروم، زنان و سالمندان است. آسیب‌پذیری و زیان این دسته‌ها از بی‌سوادی بیشتر است و غلبه بر بی‌سوادی در این گروه‌ها دشوارتر بوده است.

کلیدواژه‌ها: بی‌سوادی، جمعیت، آموزش، روستائی و شهری.

مقدمه

آموزش یکی از ارکان مهم توسعه در هر جامعه‌ای است. سوآدآموزی در کشورهای در حال توسعه به عنوان یک ملاک پیشرفت به حساب می‌آید و مبارزه با بی‌سوادی برای تمام جوامع رو به رشد هدفی آرمانی است که توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را در پی دارد. چنانکه صالحی (۱۳۸۹)، به نقل از پوررمضان و امیری میکال، (۱۳۹۳) بیان نموده: «هیچ توسعه و تکاملی بدون توسعه و تکامل فرهنگی مطلوب و مقدور نیست. به عنوان مثال کشورهای توانسته‌اند در عرصه کشاورزی به

استقلال برسند که در ریشه کن کردن بی‌سوادی و گسترش فرهنگ پیروز بوده‌اند. همچنین در برخی از کشورها بر پایه فرهنگ، وحدت ملی را ایجاد یا تقویت نموده‌اند و سپس بر اساس حرکت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کشور را به سوی توسعه پایدار ملی سامان و سازمان داده‌اند» (ص. ۸، به نقل از پوررمضان و امیری میکال، ۱۳۹۳). سام آرام (۱۳۷۴) نیز یکی از عوامل مهم توسعه رو ستایی را سواد و سوادآموزی عنوان کرده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بعد از با سواد، سطح آگاهی و فرهنگ رو ستائیان ارتقای یافته و در تعاملات گفتاری و شنیداری موفق‌تر و در خصوص استفاده از کتب و نشریات ساده راغب‌تر شده‌اند، سوادآموزی باعث خارج شدن زنان از انزوا و ورود به عرصه سیاسی-اجتماعی می‌شود (پوررمضان و امیری میکال، ۱۳۹۳).

طبق تعریف مرکز آمار ایران، کسانی با سواد تلقی می‌شوند که می‌توانند متن ساده‌ای را به زبان فارسی یا هر زبان دیگر بخوانند و بنویسند، خواه مدرک رسمی داشته باشد یا نداشته باشد. در این تعریف نوآموزان سال اول ابتدایی و سوادآموزان کلاس‌های اکابر و پیکار با بی‌سواد، با سواد شناخته می‌شوند (سالنامه آماری کشور-۱۳۹۵، ص. ۶۶۰). با این وجود امروزه سواد، مهارتی بنیادی برای یادگیری نحوه یادگیری، یادگیری انجام کار، یادگیری هدف زیستن و باهم زیستن تلقی می‌شود. با این نگاه، امروزه دیگر ریشه‌کنی بی‌سواد هدف نیست، بلکه غایت امر سوادآموزی، مشارکت و درگیری افراد در یادگیری مادام‌العمر از طریق دسترسی همگانی به فرهنگ نوشتاری است. بنابر این، سواد به جای اینکه یک نوع آموزش پایه باشد، گذرگاهی برای یادگیری مادام‌العمر است (حکیم‌زاده، قربانی و ملکی، ۱۳۹۴).

چنانکه عسکرانی (۱۳۸۴) توضیح داده است، اولین گام اساسی در جهت مبارزه با بی‌سواد در ایران به صورت رسمی در سال ۱۳۱۵ شمسی برداشته شد. در این سال هیأت وزیران نظام‌نامه‌ی تعلیمات اکابر را تصویب کرد و براساس آن وزارت معارف مکلف به تأسیس مدرسه‌ی اکابر در تمام کشور گردید که در سال ۱۳۳۵ به آموزش بزرگسالان تغییر نام داد. سپس این وظیفه در سال ۱۳۴۲ به سپاه دانش سپرده شد. در ۱۷ شهریور سال ۱۳۴۴ کنگره جهانی پیکار با بی‌سواد در ایران برپا گشت. در این رویداد مهم، وزیران آموزش و پرورش و هیأت‌های نمایندگی هشتاد و هشت کشور جهان زیر نظر یونسکو در تهران گرد آمدند. از آن پس روز ۱۷ شهریور از طرف سازمان ملل متحد به عنوان روز جهانی پیکار با بی‌سواد اعلام گردید و در ایران نیز راه‌کارهای مختلفی برای مبارزه با بی‌سواد در نظر گرفته شد. پس از انقلاب وظیفه سوادآموزی بزرگسالان بر عهده نهضت سوادآموزی گذاشته شد.

«به موجب ماده ۱ م صوب ۵۹۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش موظف است با ایجاد انعطاف و اعمال نوآوری‌های لازم در روش‌ها، ضوابط آموزشی، روندها و رویه‌های اداری، نرخ جذب خالص کودکان ۶ ساله را افزایش و ورودی بی‌سواد را مسدود نماید، ولی مطالعه نرخ پوشش واقعی و نرخ ماندگاری دوره ابتدایی و نتایج سرشماری سال 1390 حاکی از ظهور بی‌سواد جدید است. به طوری که مقایسه مشخصات کودکان ۶ ساله واجد شرایط ثبت نام با اطلاعات دانش‌آموزان ثبت نام شده در سال تحصیلی 90-91 نشان می‌دهد تعداد ۵۵۳۴۴ نفر خارج از مدرسه هستند. به عبارت دیگر پوشش واقعی در این سن ۹۵٪ می‌باشد. براساس نتیجه سرشماری ۱۳۹۰، تعداد ۲۳۶ هزار نفر بی‌سواد در گروه سنی ۶ الی ۹ ساله اظهار شده است که این تعداد معادل ۸/۱ درصد جمعیت کل مربوطه می‌باشد. براساس گزارش مرکز آمار و فناوری وزارت

متبوع، از جمعیت ۶ الی ۹ ساله و دانش آموزان ابتدایی در حال تحصیل سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱، تعداد ۱۶۰ هزار نفر کودک در خارج از مدرسه قرار دارد که معادل ۱/۵ درصد جمعیت مذکور می‌باشد و پوشش واقعی در گروه سنی ۱۰-۶ ساله حدود ۹۸/۵ درصد می‌باشد. به طور متوسط سالانه حدود ۸۵۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان پایه‌های اول تا چهارم ابتدایی ترک تحصیل می‌نمایند» (برنامه ریشه کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳).

بی‌سوادی در جمعیت سالخورده نمود بیشتری دارد. «طب- بق سرش- ماری- سال ۱۳۵۵، در کل س- المندان ۶۰ ساله و بالاتر کشور، ۸۹ درصد بی‌سواد بوده‌اند. این رقم برای زنان سالمند ۹۵ درصد و برای مردان ۸۰ درصد بوده است. در سال ۱۳۶۵، ۸۳ درصد از جمعیت سالمندان بی‌سواد بوده‌اند، در حالی که در سال ۱۳۷۵ حدود ۷۷ درصد آنها بی‌سواد و ۲۳ درصد باسواد بوده‌اند. از نظر تفکیک جنس- ی در س- سال ۱۳۷۵ - حدود ۵۴ درصد مردان و ۴۶ درصد زنان باس- سواد بوده‌اند. در حالی که این نسبت در میان جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر برای مردان ۷۶ و برای زنان ۲۴ درصد بوده است. این رقم نسبت به سطح ملی تفاوت چشمگیری دارد.. در س- سال ۱۳۷۵، حدود ۸۵ درصد از جمعیت ش- هری باس- سواد، و ۱۵ درصد بی‌سواد و در همان س- سال در جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر ش- هری ۳۳ درصد باسواد و ۶۷ درصد بی‌سواد بودند، اما در جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر روستایی، ۱۰ درصد باس- سواد و ۹۰ درصد بی‌سواد بوده‌اند. ارقام فوق با ارقام سطح ملی تفاوت چشمگیری دارد. حدوداً نسبت بی‌سوادان سالمند به باسوادان س- المند ۱۲ برابر کل بی‌سوادان به باسوادان است» (امیرصدری و سلیمانی، ۱۳۹۱). اینها نشان می‌دهد که پیشگیری از بی‌سوادی اثرگذارتر از مبارزه با آن است، وقتی کودکان از رفتن به مدرسه باز می‌مانند در سنین بعدی شانس کمی برای جبران آن خواهند داشت.

با این وجود برخی تحقیقات حاکی از آن است که صرف مدرسه رفتن یا شرکت در کلاس‌های سوادآموزی ملاک با سوادی نیست. اسمیت گرینوی (۲۰۱۵) با بررسی داده‌های جمعیتی ۳۱ کشور آفریقایی دریافت که سواد با میزان مدرسه رفتن رابطه زیادی ندارد، بسیاری هستند که بعد از مدت‌ها مدرسه رفتن، مهارت‌های لازم را ندارند و در عوض بعضی بدون مدرسه رفتن از راه‌های دیگر باسواد شده‌اند. امروزه حتی سواد و سوادآموزی مفهوم وسیع‌تری پیدا کرده و شیوه‌های مختلف برقراری ارتباط مانند استفاده از ابزارهای صوتی، تصویری، دیجیتال و اینترنت را در بر می‌گیرد. در این رابطه، پیلگریم و مارتینز (۲۰۱۳) واژه سواد را از رویکرد واژه‌شناسی قرن بیستم مورد تحلیل و بررسی قرار داده و براساس مستندات خود آن را در چند جزء به شرح زیر خلاصه نموده‌اند: «سواد اطلاعات^۱: توانایی تشخیص زمان اینکه اطلاعات در چه زمانی مورد نیاز است و توانایی یافتن، ارزیابی و استفاده موثر از اطلاعات مورد نیاز (آلا، ۱۹۸۹). سواد چندگانه^۲: روش‌های متعدد برقراری ارتباط و ایجاد معنا، از جمله حالت‌هایی مانند بصری، صوتی، فضایی، رفتاری و ژست (New London Group، ۱۹۹۶). سواد جدید^۳: استفاده از تکنولوژی‌های جدید برای جمع‌آوری و انتقال اطلاعات (کویرو و همکاران، ۲۰۰۸). سواد دیجیتالی^۴: توانایی پیدا کردن، ارزیابی، استفاده، به اشتراک‌گذاری و ایجاد محتوا با استفاده از فناوری اطلاعات و اینترنت (دانشگاه کرنل، ۲۰۰۹).

1. Information Literacy

2. ALA

3. Multiliteracies

4. New Literacy

5. Coiro et al.

6. Digital Literacy

سوادآموزی وب⁷: دانش و استفاده از مهارت‌های خاصی که برای تعیین مکان، تجزیه و تحلیل و انتقال اطلاعات موجود در اینترنت مورد نیاز است.»

اما در بسیاری از کشورها هنوز حداقل ملاک‌ها یعنی سواد خواندن و نوشتن هم دور از دسترس است. یونسکو⁸ (۲۰۱۷) گزارش کرده است که طی ۵۰ سال گذشته میزان بی‌سوادی در جهان کاهش چشمگیری داشته و اختلاف درصد زنان و مردان هم کم شده است، با این وجود هنوز تا سال ۲۰۱۶ حدود ۷۵۰ میلیون نفر از جمعیت بالغ در جهان بی‌سواد بودند که دو سوم آنها را زنان تشکیل می‌دهند. در همین راستا بانک جهانی⁹ وابسته به سازمان یونسکو گزارش داد در سال ۱۹۷۷ نرخ باسوادی در جهان برای جمعیت ۱۵ سال به بالا ۶۹/۰۲ درصد بوده و در سال ۲۰۱۶ این رقم به ۸۶/۲۵ درصد رسیده است، یعنی بطور میانگین نزدیک به ۱۴ درصد مردم جهان سواد خواندن و نوشتن ندارند. البته این رقم در کشورهای صنعتی و پیشرفته حد صفر است. ۵۰ درصد این افراد در ۲۰ کشور شامل: افغانستان، بنین، بولکینوفاسو، آفریقای مرکزی، چاد، کوتهدی‌لویره، اتیوپی، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، هائیتی، عراق، لیبی، مالی، موریتانی، نیجر، سنگال، سیرالئون، و سودان جنوبی زندگی می‌کنند.

هدف تحقیق

این پژوهش در پی شناخت روند تحولات سوادآموزی و آمارهای مربوط به جمعیت افراد باسواد و بی‌سواد در کشور بوده است. در این راستا کندی و تندی روند تغییرات در یک دوره ۵۰ ساله که اطلاعات سرشماری آن در دسترس بوده است، چگونگی نسبت زنان و مردان در این تحولات، میزان برخورداری روستائیان و شهرنشینان و نیز عامل سن مد نظر قرار گرفته است. با مقایسه‌هایی که بین این دسته‌جات به عمل می‌آید زوایای مختلف این پدیده روشن‌تر خواهد شد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع اسنادی بوده و داده‌های آن به شیوه کتابخانه‌ای از سالنامه‌های آماری و درگاه اینترنتی سازمان برنامه و بودجه کشور (درگاه ملی آمار) بیرون کشیده شده‌اند. در این اسناد، جداول آماری بخش «آموزش» مبنای عمل قرار گرفته و اطلاعات حاصل از سرشماری‌های کل کشور از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ در چارچوب اهداف تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. داده‌ها به کمک شیوه‌های آمار توصیفی مورد تحلیل قرار گرفته و به شکل جداول و نمودارهای آماری ارائه شده‌اند.

7. Web Literacy

6. Source: UNESCO Institute for Statistics, July 2017

9. The World Bank

یافته‌ها

جمعیت باسواد کل کشور

در جدول ۱ آمار جمعیت باسواد کشور به تفکیک جنس برای سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ آمده است. این آمار برگرفته از درگاه ملی آمار و سالنامه آماری کشور بوده که در سرشماری‌های مختلف بدست آمده است و تعداد افراد باسواد را در سنین ۶ سال و بالاتر نشان می‌دهد، البته برای سال ۱۳۴۵ افراد ۷ ساله و بالاتر مبنای عمل قرار گرفته‌اند. رقم‌های جدول به هزار نفر است. بر این اساس در سال ۱۳۹۵ تعداد باسوادان کل کشور در سنین ۶ سال و بالاتر ۶۲۶۶۷۰۰۰ نفر بوده که ۳۲۹۱۳۰۰۰ نفر (۵۲/۵۲ درصد) آنان را مردان و ۲۹۷۵۴۰۰۰ نفر (۴۷/۴۸ درصد) دیگر را زنان تشکیل می‌دهند.

جدول ۱ جمعیت باسواد کشور در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵

شرح	مرد و زن	مرد	زن
آبان ۱۳۴۵*	5556	3928	1628
آبان ۱۳۵۵	12877	8198	4679
مهر ۱۳۶۵	23913	14078	9835
مهر ۱۳۷۰	33966	19091	14875
آبان ۱۳۷۵	41582	22465	19118
آبان ۱۳۸۵	54082	28835	25247
آبان ۱۳۹۰	57362	30126	27236
آبان ۱۳۹۵	62667	۳۲۹۱۳	29754

*در سرشماری ۱۳۴۵ افراد ۷ سال به بالا مورد پرسش قرار گرفته‌اند.
رقم‌های جدول به هزار نفر است.

در جدول ۲ جمعیت باسواد ۶ سال و بالاتر به تفکیک جنسیت و محل سکونت همراه با درصد فراوانی آنها درج گردیده است. دقت در رقم‌های این جدول نشان می‌دهد که همواره در صد مردان باسواد نسبت به زنان بیشتر بوده است. اوج این اختلاف مربوط به سال ۱۳۴۵ بوده و به تدریج کاهش یافته است، کمترین اختلاف در سال ۱۳۵۵ دیده می‌شود. همچنین اختلاف نسبت زنان و مردان در نقاط روستائی نمود بیشتری داشته است، چنانکه در آخرین سرشماری میزان این اختلاف در حدود دو برابر شهرها است. روند اختلاف آمار مردان و زنان باسواد روستائی تا سال ۱۳۹۰ کاهشی بوده اما برخلاف انتظار در سال ۱۳۹۵ دو باره اندکی افزایش داشته است.

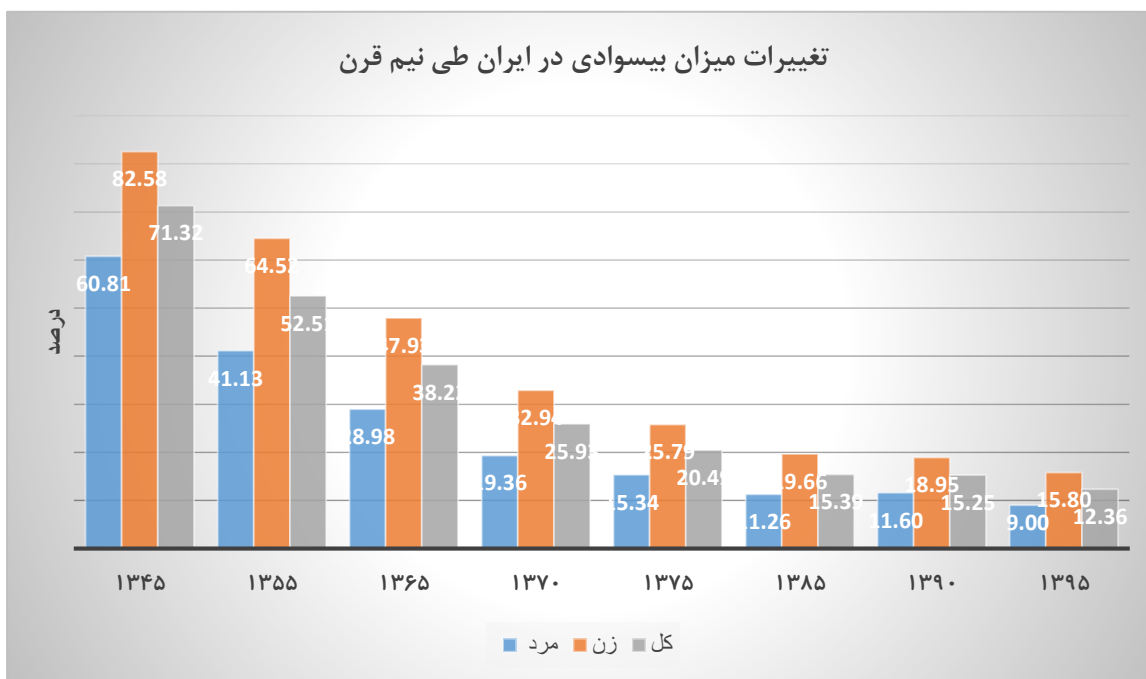
جدول ۲ جمعیت باسواد ۶ سال و بالاتر شهری و روستائی

سال سرشماری	جمعیت کل						شهری						روستائی						
	مرد			زن			مرد و زن			مرد			زن			مرد		زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۳۴۵	۳۹۲۸*	۷۰.۷۰	۱۶۲۸	۲۹.۳۰	۳۸۲۳	۶۸.۹۹**	۲۴۴۲	۶۳.۷۳	۱۳۹۰	۳۶.۲۷	۱۷۲۳	۳۱.۰۱**	۱۴۸۵	۸۶.۱۹	۲۳۸	۱۳.۸۱	۲۳۸	۱۳.۸۱	
۱۳۵۵	۱۳۹۲۶	۵۱.۳۶	۱۳۱۸۷	۴۸.۶۴	۸۶۲۸	۶۷.۰۲	۵۱۴۵	۵۹.۶۳	۳۴۸۳	۴۰.۳۷	۴۲۴۶	۳۲.۹۸	۳۰۵۳	۷۱.۸۵	۱۱۹۶	۲۸.۱۵	۱۱۹۶	۲۸.۱۵	
۱۳۶۵	۱۴۰۷۸	۵۸.۸۷	۹۸۳۵	۴۱.۱۳	۱۵۵۰۷	۶۴.۹۴	۸۷۶۵	۵۶.۵۲	۶۷۴۲	۴۳.۴۸	۸۳۷۱	۳۵.۰۶	۵۲۸۷	۶۳.۱۶	۳۰۸۴	۳۶.۸۴	۳۰۸۴	۳۶.۸۴	
۱۳۷۰	۱۹۰۹۱	۵۶.۳۱	۱۴۸۷۵	۴۳.۷۹	۲۱۷۲۵	۶۴.۱۷	۱۱۹۰۳	۵۴.۷۹	۹۸۲۲	۴۵.۲۱	۱۲۱۲۸	۳۵.۸۳	۷۱۱۴	۵۸.۶۶	۵۰۱۴	۴۱.۳۴	۵۰۱۴	۴۱.۳۴	
۱۳۷۵	۲۲۴۶۵	۵۴.۰۲	۱۹۱۱۸	۴۵.۹۸	۲۷۸۵۷	۶۷.۱۰	۱۴۸۶۱	۵۳.۳۵	۱۲۹۹۶	۴۶.۶۵	۱۳۶۶۱	۳۲.۹۰	۷۵۶۵	۵۵.۳۸	۶۰۹۶	۲۷.۰۴	۶۰۹۶	۲۷.۰۴	
۱۳۸۵	۲۸۸۳۵	۵۳.۳۲	۲۵۲۴۷	۴۶.۶۸	۳۹۰۹۶	۷۲.۳۵	۲۰۶۲۵	۵۲.۷۵	۱۸۴۷۱	۴۷.۲۵	۱۴۹۳۹	۲۷.۶۵	۸۱۸۳	۵۴.۷۸	۶۷۵۶	۴۵.۲۶	۶۷۵۶	۴۵.۲۶	
۱۳۹۰	۳۰۱۲۶	۵۲.۵۲	۲۷۲۳۶	۴۷.۴۸	۴۳۰۴۸	۷۵.۰۸	۲۲۳۵۸	۵۱.۹۴	۲۰۶۹۰	۴۸.۰۶	۱۴۲۸۷	۲۴.۹۲	۷۷۵۲	۵۴.۲۶	۶۵۳۴	۴۵.۷۴	۶۵۳۴	۴۵.۷۴	
۱۳۹۵	۳۲۹۱۳	۵۲.۵۲	۲۹۷۵۴	۴۷.۴۸	۴۸۳۰۵	۷۷.۱۲	۲۵۰۴۸	۵۱.۸۵	۲۳۲۵۷	۴۸.۱۵	۱۴۳۳۴	۲۲.۸۸	۷۸۴۹	۵۴.۷۶	۶۴۸۵	۴۵.۲۴	۶۴۸۵	۴۵.۲۴	

*رقم‌های تعداد در جدول به هزار نفر است. **نسبت شهری و روستائی

تمرکز این پژوهش بر میزان بی سوادی در کشور بوده که بیان روشن‌تری از این پدیده است، اما در بیشتر موارد آمار لازم در باره جمعیت کل سنین ۶ سال و بالاتر در دسترس نبود.

شکل ۱ نمودار درصد فراوانی افراد بی سواد را به تفکیک زن و مرد و نیز کل جمعیت نشان می‌دهد. طبق این نمودار که روند کاهش میزان بی سواد را طی ۵۰ سال ترسیم می‌نماید، بر اساس آخرین سرشماری به عمل آمده در سال ۱۳۹۵ هنوز ۱۵/۸ درصد از جمعیت زنان و ۹ درصد از جمعیت مردان توانایی خواندن و نوشتن ندارند. با همه تلاشی که برای کاهش بی سواد صورت گرفته است طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ هنوز میزان بی سواد در کل جمعیت ۱۲/۴ درصد است که رقم قابل ملاحظه‌ای است. به عبارتی حدود ۸۸۴۰۰۰۰ نفر از جمعیت بالای ۶ سال کشور خواندن و نوشتن نمی‌دانند.

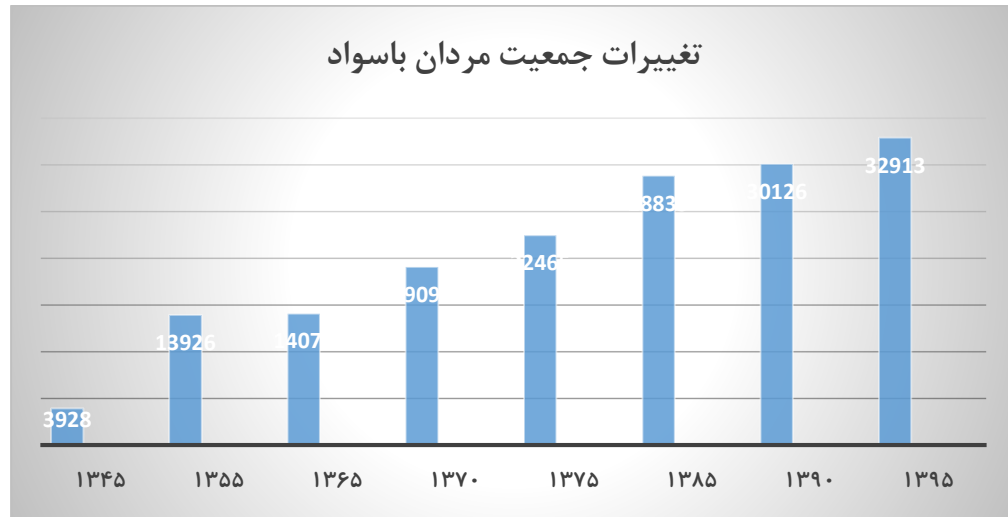


شکل ۱ نمودار روند تغییرات درصد جمعیت بی‌سواد در کل کشور به تفکیک زن و مرد

تغییرات میزان باسوادی مردان و زنان ایرانی طی نیم قرن اخیر

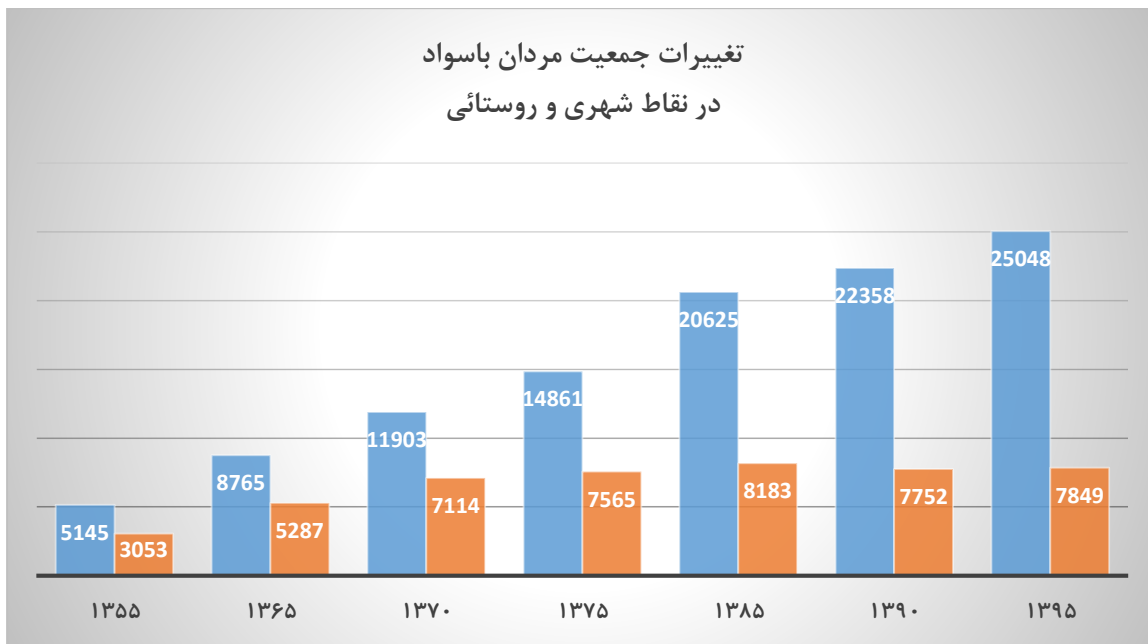
هر چند بهتر بود به جای آمار باسوادی روی بی‌سوادی متمرکز شویم اما از آنجا که در سالنامه آماری کشور تفکیک سنی برای سنین ۶ سال و بالاتر به تفکیک مرد و زن و شهری و روستائی وجود ندارد برای محاسبه درصد باسوادان و یا بی‌سوادان به تفکیک محل سکونت و جنسیت با محدودیت روبرو هستیم از این رو در تحلیل‌های زیر به ناچار به فراوانی ساده میزان باسوادی بسنده شده است و نمی‌توان در این تقسیم‌بندی میزان بی‌سوادی را بطور دقیق محاسبه نمود.

شکل ۲ رشد میزان باسوادی در جمعیت مردان ۶ ساله و بالاتر را نشان می‌دهد که حاکی از افزایش تدریجی تعداد باسوادان به مرور زمان بوده است.



شکل ۲ رشد میزان باسوادی در جمعیت مردان ۶ ساله و بالاتر یادآور می‌شود رقم‌ها نشان دهنده تعداد جمعیت به هزار است

شکل ۳ به مقایسه تعداد مردان باسواد شهری و روستائی در گذر زمان می‌پردازد. چنانکه این نمودار نشان می‌دهد میزان افزایش مردان باسواد شهری به مراتب بیشتر از مردان باسواد روستائی بوده است. در حالیکه میزان باسوادی در شهرها پیوسته افزایش یافته است اما در نقاط روستائی از ۱۳۸۵ به بعد حتی حدود ۳۳۴۰۰۰ نفر کاهش یافته است.

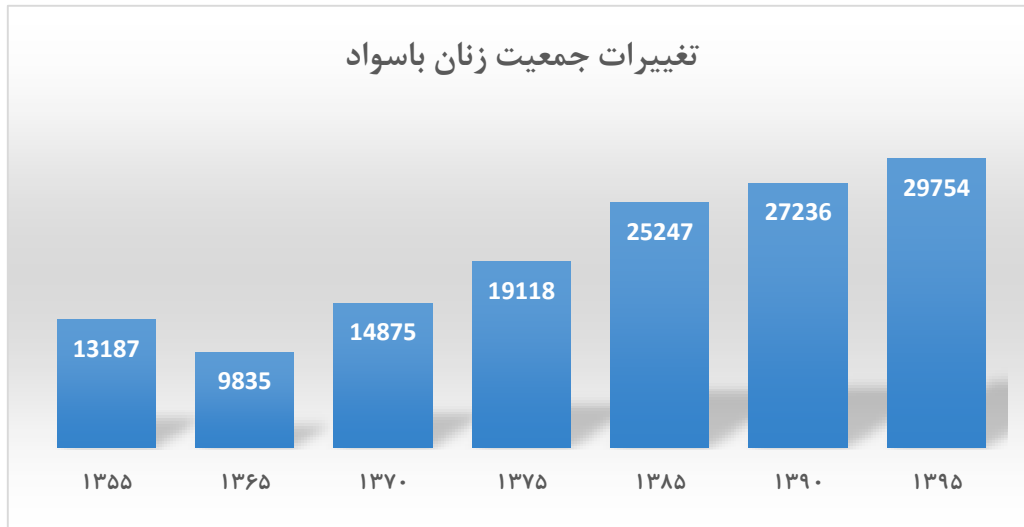


شکل ۳ مقایسه تعداد مردان باسواد شهری و روستائی

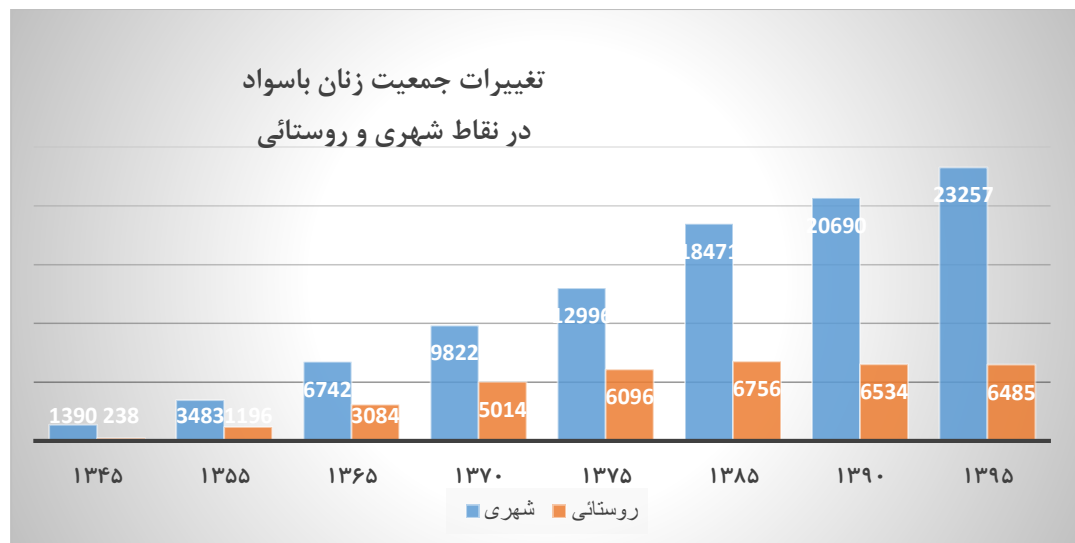
تغییرات میزان باسوادی زنان

در شکل ۴ رشد میزان باسوادی در جمعیت زنان ۶ ساله و بالاتر نشان داده شده است. این نمودار حاکی از افزایش تدریجی تعداد باسوادان در طی زمان است.

شکل ۴ رشد میزان باسوادی در جمعیت زنان ۶ ساله و بالاتر

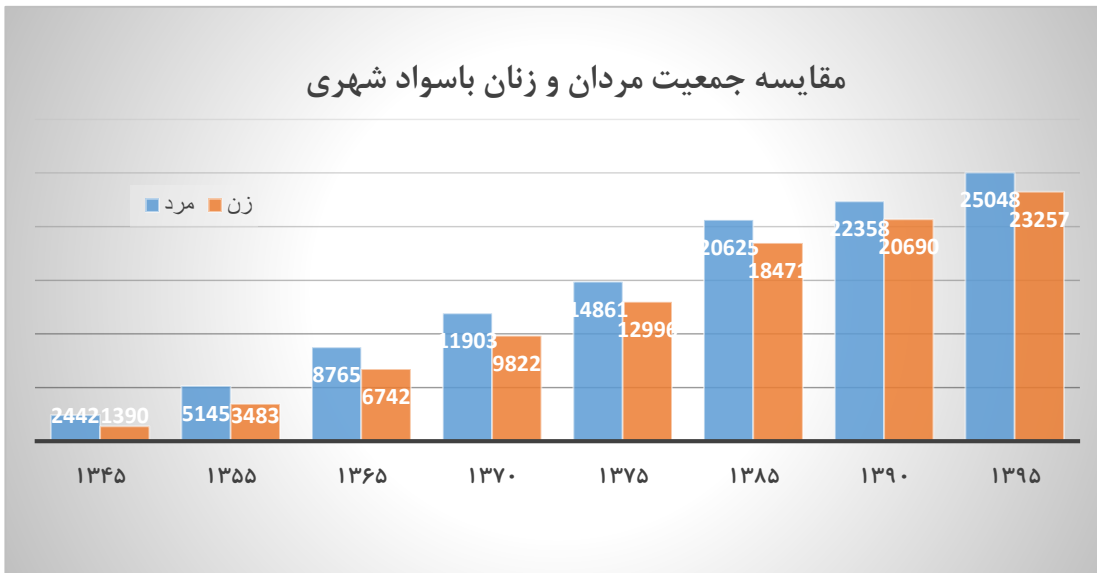


در شکل ۵ تعداد زنان باسواد شهری و روستائی در گذر زمان با هم مقایسه شده‌اند. چنانکه این نمودار نشان می‌دهد میزان افزایش زنان باسواد شهری نیز به مراتب بیشتر از زنان باسواد روستائی بوده است. در حالیکه میزان باسوادی در شهرها پیوسته افزایش یافته است اما در نقاط روستائی از ۱۳۸۵ به بعد حتی حدود ۲۷۱۰۰۰ نفر کاهش یافته است.

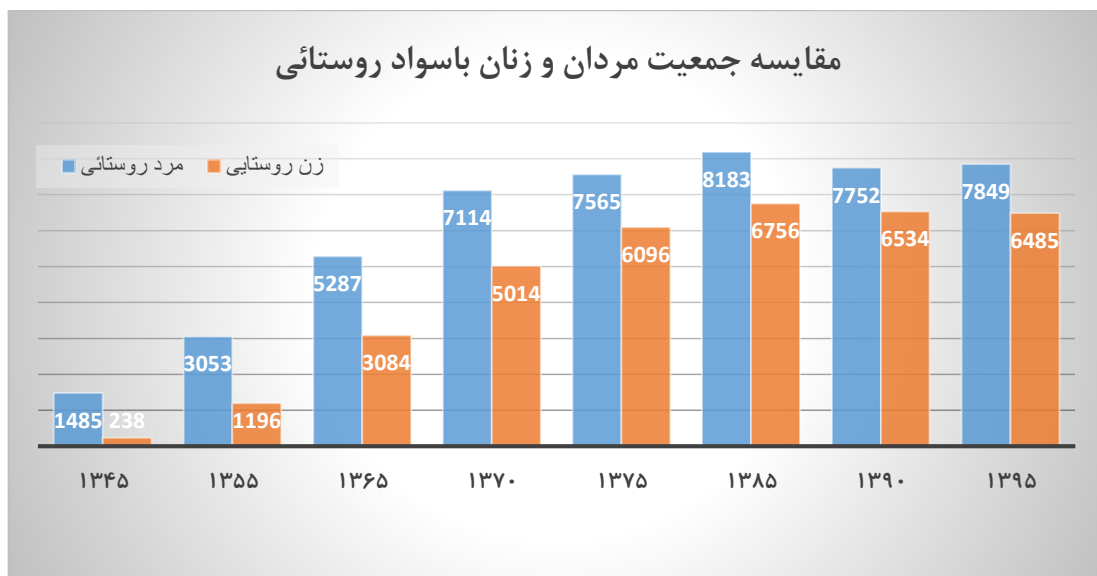


شکل ۵ مقایسه تعداد زنان باسواد شهری و روستائی در ۵۰ سال گذشته

در راستای تفاوت میزان رشد افراد باسواد شهری و روستائی، شکل‌های ۶ و ۷ به مقایسه آمار زنان و مردان باسواد به ترتیب در نقاط شهری و روستائی می‌پردازند. شکل ۶ نشان می‌دهند که در شهرها آمار زنان باسواد هماهنگ با آمار مردان باسواد رشد پیوسته‌ای داشته است، در حالیکه طبق شکل ۷ در روستاها آمار زنان باسواد تا سال ۱۳۸۵ هماهنگ با آمار مردان باسواد افزایشی بوده، اما طی ۱۰ سال گذشته یک روند کاهشی را نشان می‌دهد.



شکل ۶ نمودار مقایسه آمار زنان و مردان باسواد در نقاط شهری



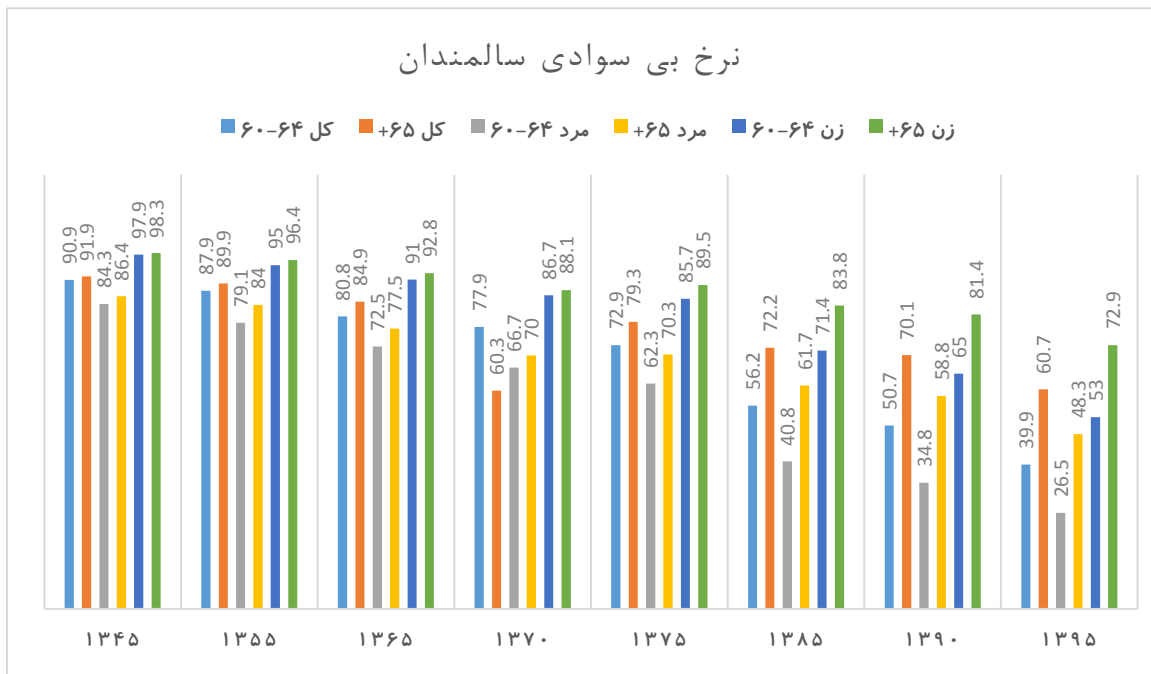
شکل ۷ نمودار مقایسه آمار زنان و مردان باسواد در نقاط روستائی

نرخ بی‌سوادی جمعیت سالخورده کل کشور به تفکیک سن و جنس و سال سرشماری در جدول زیر و نمودار ناظر بر این اطلاعات در شکل ۸ آمده است. این اطلاعات نشان می‌دهند که نرخ بی‌سوادی در میان سالمندان طی نیم قرن از حدود ۹۱ درصد به حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است (میانگین تقریبی دو رقم آخر ستون‌های اول و دوم جدول ۸). دقت در رقم‌های نرخ بی‌سوادی در اینجا همچنین نشان می‌دهد که همواره نرخ بی‌سوادی در بین سنین ۶۵ سال به بالا و نیز در جمعیت زنان بیشتر بوده است.

جدول ۸ نرخ بی‌سوادی در جمعیت سالخورده کل کشور به تفکیک سن و جنس و سال سرشماری

جمعیت کل						سال سرشماری
زن		مرد		مرد و زن		
+۶۵	۶۰-۶۴	+۶۵	۶۰-۶۴	+۶۵	۶۰-۶۴	
98.3	97.9	86.4	84.3	91.9	90.9	۱۳۴۵
96.4	95	84	79.1	89.9	87.9	۱۳۵۵
92.8	91	77.5	72.5	84.9	80.8	۱۳۶۵
88.1	86.7	70	66.7	60.3	77.9	۱۳۷۰
89.5	85.7	70.3	62.3	79.3	72.9	۱۳۷۵
83.8	71.4	61.7	40.8	72.2	56.2	۱۳۸۵
81.4	65	58.8	34.8	70.1	50.7	۱۳۹۰
72.9	53	48.3	26.5	60.7	39.9	۱۳۹۵

در شکل ۷ نرخ بی‌سوادی مردان و زنان سالمند برای دو گروه سنی ۶۰-۶۴ ساله و ۶۵ ساله به بالا از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ ترسیم شده است. دقت در این نمودار نشان می‌دهد که شیب کاهش بی‌سوادی در گروه سنی ۶۵ سال به بالا بطور کلی و زنان بطور خاص، خیلی کندتر بوده است.



شکل ۷ نمودار نرخ بی سوادى سالمندان به تفکیک جنسیت و سال

علاوه بر تفاوت‌های جنسیتی و سنی در آمارهای مربوط به نرخ بی سوادى، همچنین استان محل سکونت یا به عبارت دقیق‌تر میزان محرومیت نیز در آمار بی سوادى و نیز اختلاف جنسى تأثیر مهمی دارد. در اینجا بطور نمونه به مواردی از آن اشاره می‌شود.

استان محل سکونت:

طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ استان‌های تهران و البرز به ترتیب با نرخ ۶/۵ و ۷/۸ درصد دارای کمترین میزان بی سوادى هستند و در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی به ترتیب با نرخ ۲۴، ۱۸/۵ و ۱۸ درصد دارای بالاترین میزان بی سوادى در کشور هستند.

با ترکیب استان محل سکونت و جنسیت، در استان البرز نرخ بی سوادى زنان ۹/۸ و مردان ۵/۸ است، در حالی که در استان سیستان و بلوچستان نرخ بی سوادى زنان ۲۹/۲ درصد و مردان ۱۸/۸ درصد، در استان کردستان نرخ بی سوادى زنان ۲۵ و مردان ۲۲/۲ درصد و در استان آذربایجان غربی نرخ بی سوادى زنان ۲۴/۳ درصد و مردان ۱۱/۸ درصد است.

وقتی عامل محل سکونت از لحاظ روستائی و شهری بودن را هم با جنسیت و استان ترکیب کنیم آنگاه مشاهده می‌کنیم که در استان سیستان و بلوچستان نرخ بی سوادى زنان روستائی ۳۷/۷ درصد و مردان روستائی ۳۵/۸ درصد، در

استان کردستان نرخ بی‌سوادی زنان روستائی ۳۶/۶ درصد و مردان روستائی ۱۹/۳ درصد و در استان آذربایجان غربی نرخ بی‌سوادی زنان ۳۴/۸ و مردان ۱۷/۷ درصد است. در نقاط شهری استان سیستان و بلوچستان نرخ بی‌سوادی زنان ۲۰/۲ درصد و مردان ۱۱/۶ درصد، در نقاط شهری استان کردستان نرخ بی‌سوادی زنان ۲۰/۳ درصد و مردان ۹/۲ درصد و در نقاط شهری استان آذربایجان غربی نرخ بی‌سوادی زنان ۱۹ و مردان ۸/۶ درصد است.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق آمارهای مورد بررسی در این پژوهش، میزان باسوادی در کشور ایران در ۵۰ سال گذشته همواره در حال رشد بوده است. این روند رشدی در دهه‌های نخست شیب تندتری داشته، اما به تدریج شیب آن کند شده است. دلایل مختلفی ممکن است برای این تغییر شیب رشد آمار باسوادی وجود داشته باشد، در این میان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تحولات فرهنگی ناشی از رخداد انقلاب ۱۳۵۷ و نیز کاهش تدریجی جمعیت افراد بی‌سواد در پی افزایش باسوادی و کاهش افرادی که می‌توانند تحت آموزش قرار گیرند و همچنین تغییرات جمعیتی که بخشی از جمعیت بی‌سواد دوران قبل به سالخوردگان اختصاص داشته است که به تدریج از جمعیت آنها کاسته شده است.

مقایسه آمارهای جمعیت باسواد شهری و روستائی بطور کلی گویای این است که روند رشد باسوادی در روستاها طی ۱۰ سال گذشته متوقف شده است. دلیل این موضوع روشن نیست، بعید است که این کاهش رشد ناشی از اشباع میزان باسوادی و کم شدن خیلی زیاد جمعیت بی‌سواد در روستاها باشد، چرا که اگر چنین بود احتمال وقوع این توسعه در شهرها مسلماً بیشتر از روستاها می‌بود. از این رو جای این نگرانی هست که به توسعه آموزش و مبارزه با بی‌سوادی در روستاها به اندازه شهرها توجه نشده باشد. نهضت سوادآموزی یکی از دلایل کاهش رشد سوادآموزی بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ را عدم انسداد ورودی بی‌سوادی عنوان نموده و می‌افزاید «طی سال‌های مذکور به طور میانگین هر ساله ۲۲۰۰۰ نفر بی‌سواد ۱۰ ساله تولید شده است و حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر در پایه‌های اول تا چهارم ابتدایی از مدرسه خارج شده‌اند. به عبارتی طی این مدت مجموعاً ۵۱۰۰۰۰ نفر ثبت‌نام نکرده و یا قبل از اتمام ۴ سال اول دوره ابتدایی از مدرسه خارج شده‌اند» (سازمان نهضت سوادآموزی، ۱۳۹۳، ص. ۴۰).

با وجود تلاش‌هایی که برای کاهش بی‌سوادی صورت گرفته است، سرشماری سال ۱۳۹۵ نشانگر آن است که هنوز ۱۲/۴ درصد از کل جمعیت ایران بی‌سواد هستند. یعنی نزدیک به ۹ میلیون نفر از جمعیت سنین بالای ۶ سال در کشور خواندن و نوشتن نمی‌دانند. همانگونه که پیش‌تر اشاره شد آموزش و برخورداری افراد از سواد بستر توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه است (صالحی، ۱۳۸۹). بنابر این باید موانع این کار بررسی شود و فرایند آن تسریع گردد.

مقایسه آمار بی‌سوادی زنان و مردان نشان می‌دهد که در مدت ۵۰ سال گذشته همواره بدون استثنا میزان بی‌سوادی در جمعیت زنان بیشتر از مردان بوده است. این اختلاف در سالمندان به مراتب بیشتر است، امیرصدری و سلیمانی (۱۳۹۱) دریافتند، نسبت بی‌سوادان سالمند به باسوادان سالمند حدوداً ۱۲ برابر کل بی‌سوادان به باسوادان است. وقتی آمار بی‌سوادی در جمعیت سالمندان را واری می‌کنیم بیشتر متوجه در اقلیت بودن زنان می‌شویم، چنانکه آمار بی‌سوادی مردان ۶۵ ساله و

بالتر در این ۵۰ سال حدود ۳۸ درصد کاهش یافته در حالی که این کاهش بیسوادی برای زنان حدود ۲۵ درصد است. یعنی ما در کاهش آمار بیسوادی در بین افرادی که در آن زمان حدود ۱۵ سال سن داشته‌اند بخصوص در میان زنان توفیق زیادی نداشته‌ایم. نگاهی به گزارش‌های جهانی (یونیسف،) مربوط به چگونگی میزان بی‌سوادی در سطح دنیا نیز نشان می‌دهد که به استثنای بعضی کشورهای پیشرفته که آمار باسوادان زنان و مردان به هم برابر می‌کند، در سایر کشورها همواره زنان از مردان عقب مانده‌اند.

می‌توان گفت مبارزه با بی‌سوادی در کشور ما در مجموع با چهار پدیده چالش برانگیز روبرو است که شامل، روستائی بودن، استان‌های محروم، زنان و سالمندان می‌شود. این دسته‌ها زیان بیشتری از پدیده بی‌سوادی می‌بینند و غلبه بر بی‌سوادی در این گروه‌ها دشوارتر بوده است. استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی گذشته از محرومیت‌های دیگر، در بعد فرهنگی نیز مشکلات بیشتری دارند که نیازمند توجه جدی‌تری می‌باشند. باید امکان ورود به مدرسه برای همه کودکان فراهم شود تا بی‌سوادی به صفر برسد، زیرا سوادآموزی در سنین بعدی به مراتب دشوارتر و پرهزینه‌تر از پیشگیری از بی‌سوادی در سنین کودکی است. تجربه نشان می‌دهد جبران این فرصت از دست رفته معمولاً از توفیق زیادی برخوردار نیست، چنانکه بی‌سوادان در بخش زیادی از جمعیت سالخورده ریشه کن نشده است. محققان (حکیم‌زاده، قربانی و ملکی، ۱۳۹۴) به برخی از مشکلات مرتبط با بی‌سوادان؛ در استقبال از سوادآموزی اشاره کرده‌اند، مانند: فقر مالی خانوار، کم‌انگیزه بودن بی‌سوادان برای شرکت در دوره‌های سوادآموزی، خانواده‌های پرجمعیت و مشکلات فرزندپروری، خصوصیات فرهنگی-اجتماعی و اعمال برخی محدودیت‌ها در برخی از مناطق، تبعیض‌های جنسیتی نسبت به زنان برای شرکت در دوره‌های سوادآموزی، مشغله کاری و مسئولیت‌های شغلی، احساس ناتوانی در یادگیری مطالب، تسلط نداشتن به زبان فارسی و پراکندگی جغرافیایی بی‌سوادان در برخی از مناطق کشور.

با وجود اینکه هنوز بخش قابل توجهی از جمعیت جهان در بی‌سوادی مطلق بسر می‌برند، سوادآموزی در قرن بیستم مفهومی فراتر از مفهوم سنتی آن پیدا کرده است. امروزه محققان سوادآموزی را شامل ابعاد چندگانه برای کسب اطلاعات و ایجاد ارتباط از طریق ابزارهای سمعی و بصری، دیجیتال و اینترنت دانسته‌اند (پیلگرام و مارتینز، ۲۰۱۳)، از این رو لازم است مبارزه با بی‌سوادی مطلق در ایران شتاب داده شود و همزمان در این باره و اهداف سوادآموزی تجدید نظر شده و برای رسیدن به سطح امروزی مفهوم سواد در چارچوب رویکرد جدید واژه‌شناسی آن برنامه‌ریزی شود که به پیشبرد کشور در راستای توسعه فرهنگی کمک کند. این موضوع برای علاقه‌مندان به تحقیق در این حوزه نیز می‌تواند چشم‌انداز پژوهشی تازه‌ای را فراهم نماید که سطح سواد عمومی با توجه به نیازهای روز مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

امیر صدری آزیتا و سلیمانی حمید (۱۳۹۱). پدیده سالمندی در ایران و پیامدهای آن، ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران، سال یازدهم، شماره ۶۵، ۶۷-۷۷.
برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران. سازمان نهضت سوادآموزی، ۱۳۹۳ چاپ دوم، ناشر: سازمان نهضت سوادآموزی شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۴-۲۶۹-۳

http://www.lmoiran.ir/uploads/sanadershekani_۲۹۶.pdf

حکیم‌زاده رضوان، قربانی حسین و ملکی عباس (۱۳۹۴). بررسی علل عدم استقبال بیسوادان از برنامه‌های سوادآموزی کشور: یک پژوهش ملی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم - شماره ۸، ۶۴-۷۳.

<http://ensani.ir/file/download/article/۱۵۰-۹۴۳۰-۲۰۱۷۰۴۰۵۱۵۲۳۳۰.pdf>

پوررمضان عیسی و امیری میکال محمد (۱۳۹۳). تحلیل نقش نهضت سوادآموزی در توسعه فرهنگی روستاهای استان گیلان، ایران چشم انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، سال نهم، شماره ۲۶، صص ۷۱-۸۹.

عسکرانی محمدرضا (۱۳۸۴). تاریخچه سوادآموزی در آموزش و پرورش رسمی اصفهان، فصل‌نامه‌ی آموزه، ۲۷، ۲۷-۳۶.

<http://ensani.ir/file/download/article/20100919161211-5.pdf>. 13/8/1397

سام آرام عزت الله (۱۳۷۴). عوامل مؤثر بر توسعه روستایی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۴ (۷،۸)، ۷۹-۱۰۵.

Pilgrim, J. & Martinez, Elda E. (2013). Defining Literacy in the 21st Century: A Guide to Terminology and Skills. *Texas Journal of Literacy Education*, 1(1), 60-69. Retrieved from: <https://www.researchgate.net/publication/288246131>. 2018/10/28.

Education and literacy. UNICEF. r3d7341p1p71, 54-71.

https://www.unicef.org/specialsession/about/sgrep-report-pdf/sgrep_adapt_part2b_eng.pdf

Smith-Greenaway E. (2015). Descriptive Finding Educational attainment and adult literacy: A descriptive account of 31 Sub-Saharan Africa countries. *DEMOGRAPHIC RESEARCH VOLUME 33, ARTICLE 35, PAGES 1015-1034*. <http://www.demographic-research.org/Volumes/Vol33/35/> DOI: 10.4054/DemRes.2015.33.35

The World Bank, <https://data.worldbank.org/indicator/se.adt.litr.zs>

UNESCO Institute for Statistics, (2017). Literacy rates continue to rise from one generation to the next. Fact Sheet No. 45 September 2017 FS/2017/LIT/45

<http://uis.unesco.org/en/topic/literacy> 2018/10/29

(سالنامه آماری کشور-۱۳۹۵، ص. ۶۶۰).

برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳

Development of Literacy Growth in Iran over the last 50 Years: Women, rural areas and the elderly in deprivation
M. Bahrani

Abstract

This research was conducted to assess the growth of literacy and awareness of illiteracy in the entire country. The required information was collected by documentary and library methods. The statistical data about literacy of 6 years old and above population over the years from 1966 to 2016, obtained from the public database website of the statistical Center of Iran and the statistical yearbook of 2012. The findings show that in the last 50 years, the rate of illiteracy in Iran has always fallen, and this trend has been faster Slope for the first decades. The rate of illiteracy in the female population in urban and rural areas is always lower than that of men. Although the trend of the literacy rate was increasing, it is different for urban and rural areas, especially in recent years, to detriment of the second group. According to statistics, the rural literate population (male and female) declined somewhat in the years 2006 to 2016. Although the reason for this is not clear to us, however, there is a concern that the development of education and combating illiteracy in rural areas was not as serious as cities. In addition, women rural are more vulnerable than men. Illiteracy rates are also higher in deprived provinces, as well as among the elderly. Thus, there are four challenges issues in fighting to illiteracy including deprived provinces, rural area, women and the elderly. These groups have been more vulnerable to illiteracy and it is more difficult to overcome injustice in these groups. Keywords: illiteracy, population, education, rural and urban.